**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه بیست و نهم\_16 آذر 1398**

امروز ان شاء الله بیان مرحوم شیخ رضوان الله تعالی علیه را در بحث مقدمه سو مجمع بندی می کنیم تا برسیم به فرمایش مرحوم آخوند رضوان الله علیه.

از آنجایی که ممکن است راههایی برای قائل به انسداد پیشنهاد بشود که آنراه حل ها به حجیت مطلق ظن نیانجامد، انسدادی مجبور است تمام راه حل ها را ببند تا آخر بحث بفرماید یک راه بیشت نیست الا حجت مطلق ظن.

یک راه را در مقدمه دوم باطل کردیم که ان هم برائت در معظم مسائل فقه که دیدیدم نمی شود، سه راه حل در مقدمه سوم مطرح می شود، 1. احتیاط در معظم، 2. به هر مساله مساله که رسیدیم اصل همان مساله را معیار قرار بدهیم، 3. به مجتهد انسدادی بگوییم تقلید کن از مجتهد انفتحاحی

اگر یکی از این سه راه درست شود باز نوبت به حجیت مطلق ظنون نمی رسد.

مهمترین راه حل از میان این سه همان راه حل اول است که پیشنهاد احتیاط می داد چه در موهومات، چه در مشکوکات و چه در مظنونات، اینجا همه انسدادی ها و حتی مرحوم شیخ با این نکته موافق بودند که حکم به احتیاط در هر سه ناحیه هرجی است و بلکه موجی اختلال نظام است. مرحوم شیخ بیان اختصاصیش این بود که جناب میرزا احتیاط اگر در موهومات بخواهد جاری شود اختلال نظام پیش می آید، اما احتیاط در ناحیه مظنونات و مشکوکات این حرجی نیست. مشقت زیادی ندارد و نگویید در مشکوکات نیز نمی توان احتیاط کرد، چون تعداد مشکوکات زیاد نیست.

بعد از مباحث طولانی، آنچه از مجموع فرمایششیخ اعظم قدس الله روحه استفاده می شود این است که مرحوم شیخ می خواهد بفرماید ممکن است من هم مثل تو از ظنون نگذرم، نه تنها از ظنون بلکه از شک هم نگذرم اما فرق است بین مسلکی که شما میرزای قمی دارید و ان این است که ظنون را مدرک اثبات و نفی احکام می گیرید. من هر جا مظنه ایی بود؛ عملا فتوایم با فتوای شما یکیست منتها نه از راه حجیت مطلق ظنون بلکه زا راه احتیاط. و اینکه احتیاط در این ناحیه مستلزم عسر وحرج نیست.

بنابراین من حتی در مشکوکات نیز احتیاط می کنم مگر اینکه اجتماع داشته باشیم که در هیچ مشتبه احتیاط جاری نمی شود.

دو سه صفحه هست که نسخه ها در رسائل مختلف است. مطالعه اش کنید توضیح همان مطالب است و دخالتی چندان در بحث ما ندارد.

این راه حل اول بود.

راه حل دوم در مقدمه سوم این بود که در هر واقعه ایی به اصل همان واقعه مراجعه کنیم ص 428:

من غیر إلتفات إلی العلم الاجمالی به وجود الواجبات و المحرمات بین الوقائع،

در هر مساله ایی به همان اصل مساله مراجعه کنیم. شیخ در ص 429 در ادامه جوابی که به این راه حل می دهد که ما هنوز جواب را نگفتیم یک بالجمله دارد که اصل پاسخش همین است و ان این است که اگر شما بخواهید به اصل مراجعه کنید از دو راه جدا نیست. یا این اصول نفی تکلیف می کند یا اثبات تکلیف. اگر بخواهد نفی تکلیف کند مخالفت کثیره لازم می آِد اگر بخواهد اثبات تکلیف کند عسر وحرج لازم می آید. همه این ها هم از یک ناشی می شود و آن این است که شما نباید ان علم اجمالی هب وجود واجبات و محرما ترا کنار بگذاردی با وجود این علم اجمالی بخواهید در بخش بسیاری از مسائل نفی تکلیف کنید این مخالفت قطعیه لازم می آید و اگر در بخش کثیره ایی بخواهید اثبات تکلیف کنید الکلام الکلام . همان بحث گذشته

اما راه حل سوم که همان بحث تقلید است. بگوییم این عالم مجتهد انسدادی که باب علم و علمی منسد است در مسائل مشتبه، برود مقلد فتوای عالم انفتاحی بشود.

کانه این طور تصور شده است که قرآن و سیره عقلا می گوید جاهل به عالم مراجعه کند و جاهل هم مطلقاست کچه اصلا هیچ نداند و چه مجتهد است ولی علما رسیده است که جاهل هستم. هر دو جاهل هستند و باید به عالم مراجعه کنند.

ایشان هم می فرماید این راه حل ایشان هم خلاف اجماع قطعی است یعنی این را هیچ فقیهی قبول نمی کند؛ ثانیا ان جاهلی که باید به عالم مراجعه کند کدام جاهل ات؟ سیره عقلا می گوید ان جاهلی که باید به عالم مراجعه کند ان جاهلی است که هیچ نیم داند، وظیفه اش را نی مداند اما این مجتهد انسدادی که رفته است زحمت کشیده است و به نتیجه انسداد رسیده است و قائل است که مجتهد ان مجتهد انفتاحی دارد غلط حرف می زند باز هم به او مراجعه کند؟

فرض بفرمائید در عالم پزشکی من به این نتیجه رسیدم که این بیماری اگر درمانی داشت من می دانستم، و به این نتیجه رسیدم که درمان ندارد. و حرف های دیگران را در مرود درمان این بیماری غلط می دانم. حال اگر خود مبتلا شدم به این بیماری ایا گفت جراحی کن من راضی می شوم؟

اینکه می بیند علما اجماع دارند بر اینکه مجتهد اگر تحقیق کرد، به دلیل نرسید، برو اصل برائت جاری کن سراغ مجتهدی که دلیل دارد نرو برای همین است.مثال این مجتهد به دلیلی برای حرمت شرب توتون نرسیده است باید به اصل برائت مراجعه کند. حال یک مجتهدی به دلیل حرمت رسیده است آیا مجتهد اول باید به این مجتهد مراجعه کند؟

این تمام فرمایش شیخ اعظم قدس الله روحه با توضیحات زیاد در مقدمه سوم نیاز داشت.

مرحوم آقای اخوند رضوان الله علیه در بعضی از این حرف ها با شیخ همراه است و در بعضی موارد همراه نیست. اگر احتیاط به اختلال نظام بیانجامد غلط است. اما سوال شیخ فرمود حتی اختلال نظام هم نشود ولی عسر و حرج باشد باز احتیاط نه و لو به حد اختلال نظام نرسد این را شیخ فرمود، آخوند این را قبول ندارد چرا که من لا ضرر را و لا حرج را به گونه ایی معنا می کنم که شیخ معنا نمی کند.

لا ضرر و لاضرار فی الاسلام، یک بحث سنگینی است که منفی در این روایت چیست؟ شیخ می فرماید حکم منفی است یعنی لا حکم ضرری فی الاسلام. یعنی در کتاب قانون شریعت، وجوبی که ضرری باشد، حرمتی که ضرری باشد نداریم. آقای اخوند می فرماید نظر من این است که لاضرر نفی حکم است از موضوع ضرری و موضوع حرجی. نفی حکم است به لسان نفی موضوع.

هر جا که موضوع ضرری بود، لا ضرر می آید، عینا این مطلب را حضرت آخوند در لا حرج هم می زند که این نفی موضوع است و هر جا موضوع حرجی شد بله. پس نفی حکم است به لسان نفی موضوع. هر جا موضوع ضرری شد لا حرج را بیاورید.

حال در بحث ما نماز ضرری است؟ نماز که خودش ضرری نییست. آن احتیاط حرجی شد لذا اگر شما تکلیف ولقعی را بدانیدحرجی نیست چون نمی دانید و حال می خواهید احتیاط کنید و عقل به شما می گوید احتیاط کن، این حکم عقل به احتیاط حرج برای شما به وجود آروده است.

حکم عقل حرج آورده است و لا حرج کاری به این حکم عقل به احتیاط ندارد.

اینجا یک جواب مختصری بدهیم. ما در شریعت لا ضرر داریم ولی کجا داریم لا حرج؟ حال ان شاء الله در جلسات بعد توضیح بیشتری خواهم داد و مبنای خود در قاعده لاحرج را توضیح خواهیم داد به بعضی از مناقشات پاسخ خواهیم داد.

شما خود کفایه را مطالعه کنید بعد بیایید منتهی الاصول ج 4 ، ص 334، ص 335 به بعد را مطالعه کنید تا من راحت تر بتوانم مطلب را در داوری بین شیخ و اوند رحمة الله علیهما بیان کنم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.